

آشنایی با یازدهمین اختر تابناک امامت

<?xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

هشتم ربیع الاول، سالروز شهادت حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) است. در این روز، یکی دیگر از گل‌های سرسبز باغ علوی پژمرده شد و آفتاب عمر با سعادت او غروب کرد. آسمانیان و زمینیان در غم فقدان او محزون شدند و گل‌های بوستان احمدی در خزان یکی دیگر از شاخه‌های طوبای خود، به ماتم نشستند. ما نیز با فرزند برومند آن امام همام، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم ناله شده و در عزای آن سفیر هدایت و کشتی نجات به سوگ می‌نشینیم.

طلوع یک ستاره

روز جمعه، هشتم ماه ربیع الثانی سال 232 ق، در تاریخ پرافتخار مسلمانان، روزی به یاد ماندنی است. هنوز بیست بهار از عمر شریف امام هادی (علیه السلام) نگذشته بود که شهر مدینه، شاهد ظهور و تولد ستاره‌ای فروزان از ستارگان حریم نبوی گردید. مدینه، با شکوفه زدن گلی دیگر از گلستان امامت و ولایت نور باران شد و باردیگر، شور و شغف بوستان علوی را فرا گرفته، خانه کوچک و با صفای امام هادی (علیه السلام) به نور فرزند پاک و مطهر خود روشن گردید.

حرکت به عراق

با تولد امام حسن عسکری (علیه السلام) در سال 232 ق، شور و نشاط ساکنان شهر مدینه و خانه با صفای امام

هادی (علیه السلام) را فرا گرفت. بنی‌هاشم از این تولد مبارک، مسرور شده و سجده شکر به جای آوردند. متأسفانه این شور و شادی، بعد از مدتی به حزن و اندوه خاندان علوی تبدیل شد. خلیفه عباسی و درباریان فاسد که نفوذ علمی و معنوی امام هادی (علیه السلام) را در شهر مدینه می‌دیدند، به وحشت افتاده و برای حفظ قدرت ظاهری خود، دستور حرکت امام (علیه السلام) را به دیار غربت عراق صادر کردند. امام هادی (علیه السلام) به همراه فرزند عزیزش امام عسکری در سال 233 ق از شهر مدینه حرکت و به شهر سامراء، مرکز حکومت خلیفه عباسی وارد شد. امام حسن عسکری (علیه السلام) به همراه پدر بزرگوار خود، در یکی از محله‌های سامراء ساکن شده و تا آخر عمر مبارک خود در آن جا اقامت داشت.

زندان بیحصار

در تمام سال‌هایی که امام حسن عسکری (علیه السلام) در شهر سامراء می‌زیست، به جز چند نوبتی که در زندان دستگاه فاسد بنی عباس بود، در صورت ظاهر، همانند شهروندی عادی زندگی می‌کرد، ولی تمام رفتار و حرکات حضرت، به طور محتاطانه‌ای زیر نظر حکومت وقت قرار داشت. وجود شبکه منظم و متشکل شیعیان که از مدت‌ها قبل شکل گرفته بود، نگرانی و وحشت خلفای عباسی را فراهم کرده و باعث می‌شد تمام رفتار امام و شیعیان حضرت، به نحوی کنترل شود. به همین دلیل، از امام خواسته بودند تا همواره حضور خود را در سامراء، به آگاهی حکومت برساند؛ چنان که براساس نقل یکی از خدمتکاران امام، آن حضرت مجبور بود هر دوشنبه و پنجشنبه در دارالخلافه حاضر شده و خود را به دربار معرفی کند. در حقیقت، شهر سامراء به زندان بی‌حصاری برای امام تبدیل شده بود که تمام آرامش و آسایش را از حضرت می‌گرفت.

در سوگ برادر

امام حسن عسکری (علیه السلام) سه برادر داشت که عبارت اند از: حسین، جعفر و محمد. حسین، یکی از عابدان و زاهدان زمان خود بود و به امامت امام عسکری (علیه السلام) ایمان داشت. جعفر، برادر ناصالح حضرت بود که به جعفر کذاب مشهور است. محمد، فرزند بزرگ امام هادی (علیه السلام) بود. او در سال 252 ق (دو سال قبل از شهادت امام هادی (علیه السلام)) از دنیا رفت. امام عسکری (علیه السلام) در وفات برادر، گریبان چاک کرد و عزادار برادر خود گشت. قبر شریف ایشان در نزدیکی سامراء است و به امامزاده سید محمد شهرت دارد.

ازدواج امام عسکری (علیه السلام)

امام حسن عسکری (علیه السلام) ، در کنار پدر بزرگوار خود، مراحل رشد و شکوفایی را گذراند، و از دریای معارف و فضیلت‌های پدر بهره‌مند شد. آن حضرت، مدتی قبل از شهادت پدر مهربانش، با یک دختر شایسته رومی به نام نرجس، که از نوادگان حضرت شمعون، وصی حضرت عیسی بود، ازدواج کرد.

نرجس، در یکی از جنگ‌های مسلمانان با سپاه روم، به اسارت مسلمانان درآمده بود که توسط امام هادی (علیه السلام) خریداری و به امام حسن عسکری (علیه السلام) تزویج شد. او یکی از زنان پاکدامن و بزرگواری بود که دین مبین اسلام را اختیار و افتخار همسری امام را پیدا کرد. با ازدواج امام عسکری (علیه السلام) و نرجس، بارقه امید در دل‌های مؤمنان و شیفتگان و منتظران امام زمان روشن شد. اگرچه تاریخ دقیق ازدواج امام عسکری (علیه السلام) مشخص نیست، ولی به طور قطع ازدواج ایشان در زمان حیات امام هادی (علیه السلام) صورت گرفته است.

شهادت پدر

اگرچه امام عسکری روزهای سختی را در شهر سامراء می‌گذراند، ولی وجود پدری معصوم و مهربان، باعث آرامش خاطر حضرت می‌شد. در اوایل ماه رجب سال 254ق، دوران خوشی و آرامش حضرت به پایان رسید و آن حضرت در غم از دست دادن پدر مهربان خود، به سوگ نشست و برای همیشه عزادار پدر بزرگوار خود شد. خلیفه عباسی، وقتی موقعیت خلافت خود را در خطر دید، دستور داد امام هادی (علیه السلام) را مسموم کنند و به شهادت رسانند. با شهادت آن حضرت، غربت و تنهایی امام عسکری (علیه السلام) در شهر سامرا فزونی یافت. این دوران، از سخت‌ترین و طاقت‌فرساترین دوران زندگی کوتاه امام عسکری (علیه السلام) است.

بعد از شهادت امام هادی (علیه السلام) ، دوران ولایت و امامت شش ساله امام عسکری (علیه السلام) شروع شد و خط سبز و اصیل معارف الهی، به پرتوافشانی خود ادامه داد.

جود و بخشش

نگاه خاندان رسالت به مسایل مادی، به گونه‌ای بود که بتوانند به وسیله آن، رضایت و خشنودی پروردگار عالم را به دست آورده، گرهی از مشکلات زندگی مردم باز کنند. امام عسکری (علیه السلام) با تمام وجود از یاران خاص و نزدیک و نیازمندان شیعه حمایت و پشتیبانی مالی می‌کرد. این اقدام، مانع از آن می‌شد که شیعیان، زیر فشار مالی، جذب دستگاه عباسی شوند. ابوهاشم جعفری می‌گوید: از نظر مالی در مضیقه بودم. خواستم وضع خود را طی نامه‌ای به امام عسکری (علیه السلام) بنویسم، ولی خجالت کشیدم و صرف نظر کردم. روزی هنگامی که وارد

منزل شدم، دیدم که امام (علیه السلام) صد دینار برای من فرستاده و طی نامه‌ای نوشته است: «هر وقت احتیاج داشتی، خجالت نکش و پروا نکن و از ما بخواه که به خواست خدا به مقصود خود می‌رسی».

جایگاه اجتماعی امام

امام حسن عسکری (علیه السلام) اگر چه بسیار جوان بود، ولی به دلیل موقعیت بلند علمی، اخلاقی و خانوادگی، به ویژه رهبری شیعیان و اعتماد بی‌شائبه آنان به حضرت و احترام بی‌چون و چرای مردم، شهرت فراوانی پیدا کرده بود. به همین دلیل، حاکمان عباسی نیز به جز در مواردی، در ظاهر، رفتار احترام‌آمیزی از خود به امام عسکری (علیه السلام) نشان می‌دادند. خادم آن امام می‌گوید: روزهایی که امام عسکری (علیه السلام) به مقر خلافت می‌رفت، شور و شعف عجیبی در مردم پیدا می‌شد. خیابان‌های مسیر آن حضرت، پر از جمعیتی بود که بر مرکب‌های خود سوار بودند. هنگامی که امام مشرف می‌شدند، هیاهو یکباره خاموش می‌شد و حضرت از میان جمعیت گذشته، وارد مجلس می‌شد.

شاگردان

- امام حسن عسکری (علیه السلام) در مدت شش ساله امامت خود، شاگردان زیادی را تربیت کرد و آن‌ها را به سر منزل کمال رساند که به عنوان نمونه، به چند نفر از آنان اشاره می‌کنیم:
1. احمد بن اسحاق اشعری قمی، که نماینده و فرستاده مردم قم و از یاران خاص حضرت بود. او از جمله کسانی است که حضرت مهدی (عج) را زیارت کرده است.
 2. سید عبدالعظیم حسنی، که از نوادگان حضرت مجتبی (علیه السلام) است. او از عالمان، فقیهان و پارسایان برجسته زمان خود بود و ائمه اطهار، شیعیان را به مراجعه به او دستور داده‌اند. قبر مطهر ایشان در شهر ری است.
 3. فضل بن شاذان که یکی از پرکارترین دانشمندان شیعه است. او خراسانی بود و از مکتب پربرکت امام عسکری (علیه السلام) کسب فیض می‌نمود. آن حضرت در مورد او می‌فرماید: «باید اهل خراسان به جایگاه فضل بن شاذان و بودن او در میان‌شان برخورد ببالند».

سفیران هدایت

- با توجه به ایجاد محدودیت و پراکنده بودن شیعیان در مناطق مختلف، امام حسن عسکری (علیه السلام) برای ارتباط با آنان، از شیوه انتخاب وکیل استفاده می کردند.
- وکلائی حضرت موظف بودند تا در زمینه احکام شرعی و مسایل مالی و خمس و دیگر موارد، به عنوان رابط بین امام و مردم عمل کرده و مشکلات مردم را حل کنند. بعضی از وکلای حضرت عبارت اند از:
1. عثمان بن سعید عمری که از بزرگان شیعه است و از شغل روغن فروشی، به عنوان پوششی برای فعالیت های خود استفاده می کرد.
 2. ابراهیم بن عبده، که نماینده و وکیل امام در شهر تاریخی و مذهبی نیشابور بود.
 3. احمد بن اسحاق قمی اشعری که از یاران خاص امام و از شخصیت های بزرگ شیعی و وکیل و نماینده امام در موقوفات قم بود. او استاد شیخ صدوق بوده و پس از شهادت امام عسکری (علیه السلام)، وکالت امام زمان (عج) را هم برعهده داشت.
 4. ابراهیم بن مهزیار اهوازی.

تألیفات

وجود منبع علوم آل محمد (علیه السلام) و فیض ربوبی در شهر سامراء، باعث شد تا دانشمندان و بزرگان جهان اسلام، از نقاط مختلف، برای کسب فیض از حضور امام حسن عسکری (علیه السلام)، به سامراء رفته و از علوم ایشان بهره مند شوند. هر چند عمر حضرت کوتاه بود، ولی در همین مدت اندک، توانست آثار مهمی اعم از تفسیر قرآن و نشر احکام اسلامی و گسترش مسایل فقهی، از خود به یادگار بگذارد. حضرت تألیفاتی داشته اند که عبارت است از:

1. تفسیر العسکری: امام حسن عسکری (علیه السلام) یکی از بزرگ ترین مفسران قرآن کریم به شمار می آمد که قرآن را به صورتی ساده و روشن، برای شیعیان خود تفسیر می کرد. این کتاب، یکی از یادگاری های علمی امام حسن عسکری (علیه السلام) در زمینه تفسیر قرآن است.
2. الْمُقْنِعَة: این کتاب مشتمل بر علم حلال و حرام بوده که به حضرت عسکری (علیه السلام) منسوب است.

نامه های امام

امام حسن عسکری (علیه السلام) در طول مدت امامت خود، نامه های زیادی به شخصیت ها، شهرها و کشورهای مهم اسلامی نوشته که تعدادی از آنها برای کشور ولایت مدار و بزرگ اسلامی ایران بوده است. امام

عسکری (علیه السلام) در یکی از نامه های خود به علی بن حسین بابویه قمی، پدر شیخ صدوق که یکی از فقهای بزرگ شیعه بوده، می فرماید: «ای بزرگ مرد و مورد اعتماد و فقیه من، صبر کن و شیعیان مرا به صبر فرمان بده». امام در یکی دیگر از نامه های خود به اسحاق بن اسماعیل و شیعیان نیشابور، پس از توضیح نقش امامت در هدایت امت اسلامی می فرماید: «ابراهیم بن عبده، نامه مرا برای همه بخواند تا جای سؤال و ابهامی باقی نماند». امام حسن عسکری (علیه السلام) نامه دیگری هم به مردم شریف قم و آوه، واقع در 45 کیلومتری قم نوشته اند.

خلفای معاصر

امام حسن عسکری (علیه السلام) در دوران زندگی کوتاه خود، با شش تن از خلفای عباسی هم عصر بود که هر کدام از آنها، از دیگری فاسدتر و ستمگرتر بودند. سه تن از اینان، در زمان حیات امام هادی (علیه السلام) به خلافت رسیدند که عبارت اند از متوکل عباسی، فرزند هارون الرشید، منتصر عباسی و مستعین. اما سه تن از خلفای عباسی، در دوران شش ساله امامت امام عسکری (علیه السلام) بر تخت خلافت نشستند و از ناحیه آنان، ستم های زیادی بر حضرت وارد شد. این انسان های پلید عبارت اند از: معتز که از سال 252 تا 255 حکومت کرد. مهتدی که از سال 255 تا 256 خلیفه عباسی بود و معتمد عباسی که آن حضرت را به شهادت رساند. خلفای عباسی که روز نخست به نام طرفداری از علویان و به عنوان گرفتن انتقام آنان از بنی امیه قیام کردند، مانند خلفای بنی امیه و بلکه بدتر از آنان، به ستمگری و خودکامگی های خود ادامه دادند.

قیام ها

در عصر امامت امام عسکری (علیه السلام) قیام های فراوانی از سوی علویان بر ضد دستگاه عباسی شکل گرفت. علت این انقلاب ها و قیام ها، ظلم و فساد بی پایان خلفای عباسی به مردم و علویان بود. افزون بر این که آنان معتقد بودند رهبری جامعه اسلامی، حق علویان است و عباسیان، غاصبان خلافت اند. برخی از این قیام ها عبارت است از:

1. قیام علی بن زید بن الحسین:

او از نوادگان امام سجاد (علیه السلام) بود که در کوفه قیام کرد و در این راه، فداکاری های بسیاری از خود نشان داد و بارها با نیروهای خلیفه عباسی درگیر شد.

2. قیام احمد بن محمد بن عبدالله:

او نیز از علویان عصر امام عسکری (علیه السلام) بود که بر ضد معتمد عباسی قیام کرد، ولی به قتل رسید و سرش را نزد آن حاکم ستمگر فرستادند.

اوضاع سیاسی

خلفای عباسی، از هر گونه اعمال فشار و محدودیت به امامان شیعه دریغ نکرده و فضای غبارآلودی را در اطراف آنان به وجود آورده بودند. این فشارها، در عصر امام حسن عسکری (علیه السلام) به اوج خود رسید. درباره علت این فشارها و محدودیت ها، به دو مطلب عمده می توان اشاره کرد: نخست این که در زمان امام عسکری (علیه السلام)، شیعه به صورت قدرتی عظیم در عراق درآمده بود و همه مردم می دانستند که این گروه، به خلفای وقت معترض بوده و حکومت عباسیان را مشروع و قانونی نمی داند؛ دوم این که، خاندان عباسی و پیروان آنها می دانستند مهدی موعود (عج) که نابود کننده حکومت های خودکامه است، از نسل حضرت عسکری (علیه السلام) خواهد بود. به همین دلیل، پیوسته مراقب اوضاع زندگی او بودند تا بتوانند فرزند حضرت را به چنگ آورده و ایشان را از سر راه خود بردارند.

فعالیت های امام در دوران امامت

الف) کوشش های علمی

امام عسکری (علیه السلام) به رغم شرایط نامساعد و محدودیت بسیار شدیدی که حکومت عباسی برقرار کرده بود، موفق به گسترش دانش دامنه دار خود در سطح جامعه نشد، ولی شاگردانی تربیت کرد که هر کدام از آنها، سهم به سزایی در نشر و گسترش معارف اسلام و دفع شبهه های دشمنان داشتند. مرحوم شیخ طوسی رحمه الله، تعداد شاگردان حضرت را بیش از یکصد نفر ثبت کرده که در میان آنان، مهره های روشن، شخصیت های برجسته و مردان وارسته ای به چشم می خورد.

امام حسن عسکری (علیه السلام) افزون بر تربیت شاگردان، مشکلات و تنگناهای پیش آمده برای مسلمانان و امت اسلامی را در پرتو علم امامت حل می‌کرد.

(ب) استفاده از آگاهی غیبی

امامان معصوم در پرتو ارتباط با پروردگار جهان، از آگاهی غیبی برخوردار بوده و در مواردی که اساس حقانیت اسلام یا مصالح عالی امت اسلامی در خطر می‌افتاد، از این آگاهی به صورت «ابزار» استفاده می‌کردند. امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز از این قاعده بیرون نبود. شرایط نامساعد و جو پراختناق آن عصر و شک و تردید و تزلزل گروهی از شیعیان در مورد امام هادی (علیه السلام) و امام عسکری (علیه السلام)، باعث می‌شد که امام عسکری (علیه السلام) پرده‌های حجاب را کنار زده و از آن سوی جهان ظاهر خبر دهد که این کار، از مؤثرترین شیوه‌های جلب مخالفان و تقویت ایمان شیعیان بود. مرحوم علامه مجلسی رحمه الله در کتاب شریف بحارالانوار، 81 مورد از کرامات و گزارش‌های غیبی آن حضرت را ثبت کرده است. ابوهاشم جعفری نیز در این باره می‌گوید: هر زمان که به حضور امام عسکری (علیه السلام) می‌رسیدم، برهان و نشانه تازه‌ای بر امامت حضرت مشاهده می‌کردم.

(ج) آماده سازی برای دوران غیبت

از آن جا که غایب شدن امام و رهبر هر جمعیت، حادثه‌ای غیرطبیعی و نامأنوس است و تحمل مشکلات ناشی از آن برای نوع مردم دشوار می‌باشد، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و امامان پیشین، به تدریج مردم را با این موضوع آشنا ساخته و افکار ایشان را برای پذیرش آن آماده می‌کردند. این تلاش، در عصر امام عسکری (علیه السلام) به صورت روشن‌تری به چشم می‌خورد و جلوه بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا آن حضرت، از یک طرف حضرت مهدی (عج) را تنها به شیعیان خاص و بسیار نزدیک خود نشان می‌داد و از طرف دیگر، تماس مستقیم شیعیان با خود حضرت عسکری (علیه السلام) نیز روز به روز محدودتر و کمتر می‌شد، به طوری که حتی در خود شهر سامراء، به مراجعات و مسایل شیعیان به وسیله نامه یا توسط نمایندگان خویش پاسخ می‌دادند. آن حضرت با این شیوه، به شیعیان فهماندند که امام زمان می‌تواند زنده بوده، ولی از نظر و چشم مردمان پنهان باشد.

د) ایجاد شبکه ارتباطی

در زمان امام حسن عسکری (علیه السلام)، شیعیان در مناطق مختلف و شهرهای متعددی مانند کوفه، بغداد، نیشابور، قم، آوه (در 45 کیلومتری قم)، مدائن، خراسان، شهرری و... گسترش یافته و در آن‌ها سکونت داشتند. گستردگی و پراکندگی مراکز تجمع شیعیان، وجود سازمان ارتباطی منظمی را ایجاب می‌کرد تا پیوند شیعیان را با حوزه امامت و با یکدیگر برقرار سازد و از این رهگذر، آنان را از نظر دینی و سیاسی رهبری کند. امام حسن عسکری (علیه السلام) برای این هدف بلند، نمایندگانی از میان برجستگان علمی و معنوی شیعیان برگزیده و در مناطق متعدد منصوب کرد و از این راه، پیروان خود را در همه مناطق زیر نظر داشت. افزون بر شبکه ارتباطی وکالت، آن حضرت به وسیله اعزام پیک‌ها و نامه‌ها نیز، با شیعیان و پیروان خود در ارتباط بود و مشکلات آنان را برطرف می‌نمود.

ه) فعالیت‌های سری سیاسی

امام حسن عسکری (علیه السلام)، به رغم تمامی محدودیت‌ها و کنترل‌هایی که از طرف دستگاه خلافت به عمل می‌آمد، یک سلسله فعالیت‌های سری سیاسی را رهبری می‌کرد و با گزینش شیوه‌های بسیار ظریف پنهان کاری، از چشم بیدار و مراقب جاسوسان دربار عباسی به دور می‌ماند. عثمان بن سعید که از نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین یاران امام بود، زیر پوشش روغن فروشی فعالیت می‌کرد و اموال و وجوهی را که باید به امام می‌رسید، در ظرف‌ها و مشک‌های روغن قرار داده و به امام می‌رساند. آن حضرت در اقدامی کاملاً سری، اسناد، نامه‌ها و نوشته‌های سری را در میان چوب جاسازی کرده و برای نماینده خود می‌فرستاد. امام این کار را برعهده مأمور حمام خود گذاشته بود که سوء ظن کسی را جلب نکند.

بازداشت امام

متوکل عباسی، دستور جلب امام هادی (علیه السلام) را به همراه امام عسکری (علیه السلام) به منظور کنترل بیشتر آن‌ها و شیعیان صادر کرد و آن دو امام بزرگوار را به شهری نظامی وارد نمود که تفاوتی با زندان نداشت. در عین حال، خلیفه عباسی در بازداشت امام هادی و عسکری علیهما السلام سخت‌گیری بیشتری می‌کرد و در هنگام پیدایش جریان‌های خاصی که نوعی تهدید بر ضد حاکمیت به شمار می‌آمد، شخص امام و یاران نزدیک حضرت را به زندان می‌انداخت.

اگر چه مدت زمان زندانی شدن امام حسن عسکری (علیه السلام) به طور دقیق مشخص نیست، از روایات چنین بر می‌آید که آن حضرت در زمان خلافت هر سه نفر خلیفه معاصر، به زندان افتاده است. امام عسکری (علیه السلام) در زمان معتز به همراه برادرش جعفر به زندان افتاد. حضرت در دوران مهتدی هم به زندان افتاد.

که مقارن با کشته شدن خلیفه بود. آن حضرت در سال 259 ق، همزمان با حکومت معتمد عباسی نیز در بازداشت او به سر می‌برد.

نقشه شوم

معتز، خلیفه جوان و مغرور عباسی، در سال 252 قمری به خلافت رسید و در سال 255 قمری، کشته شد. او برای حفظ قدرت و حکومت خود، دست به هر جنایتی زد و از هیچ عمل وحشیانه‌ای فروگذار نکرد. معتز در دوران سه ساله حکومت خودکامه خود، مسلمانان راستین و بزرگان شیعه را تحت فشار قرار داد. شیعیان و سادات علوی در دوران حکومت او، با شدیدترین شکنجه‌ها در زندان‌ها به سر می‌بردند. او برای از بین بردن موانع حکومت خود، دستور قتل امام حسن عسکری (علیه‌السلام) را صادر کرد و به یکی از درباریان خود به نام سعید حاجب دستور داد تا امام را به طرف کوفه روانه کرده و حضرت را در بین راه به شهادت برساند، ولی با کشته شدن خلیفه توسط گروهی از ترکان دربار، نقشه شوم او عملی نشد و آن حضرت از این حادثه جان سالم به در برد.

شمع پروانگان

امام حسن عسکری (علیه‌السلام) مدتی در زندان دژخیم زمان خود به نام «نحریر» گرفتار بود. همسر نحریر به او اعتراض کرد و او را از عاقبت بدرفتاری با آن حضرت برحذر داشت، ولی او برعکس توصیه‌های زن خود عمل کرده و دستور داد تا حضرت را در قفس درندگان و شیران ببندازند. دستور نحریر به اجرا در آمد. او بعد از مدتی برای بازدید چگونگی قتل امام و فرستادن گزارش، نزدیک قفس آمد و با صحنه بی نظیری مواجه شد؛ امام (علیه‌السلام) در میان درندگان در حال عبادت بود و آن‌ها در گرد آن حضرت حلقه زده و زانوی ادب و احترام در مقابل حضرت به زمین زده بودند، نحریر بعد از دیدن این منظره، امام عسکری (علیه‌السلام) را آزاد کرد.

شب حادثه

امام حسن عسکری (علیه‌السلام)، در شب شهادت خود، نامه‌های زیادی نوشت و آن‌ها را به نامه‌رسان خود داد تا به شهر مدینه برساند. حضرت در آخرین لحظات عمر مبارک خود، آب خواست و فرمود: «می‌خواهم نماز بخوانم». خادم حضرت، سجاده را برای امام آماده کرد. حضرت وضو گرفت و نماز صبح را در بستر به جا آورد. بعد کاسه آب را از خادم خود گرفت تا مقداری از آن را بنوشد که دست حضرت لرزید و ظرف آب به دندان‌های حضرت

برخورد می‌کرد. حضرت به خادم خود فرمود تا فرزندش امام زمان را حاضر کند.

در این هنگام، نرجس خاتون، مادر امام زمان (علیه‌السلام) به همراه آن حضرت وارد اتاق شد همین که چشم حضرت به امام زمان افتاد، گریه کرد و فرمود: «ای سید اهل بیت، مقداری به من آب بده که من به سوی پروردگار خود رهسپارم». امام زمان پدر بزرگوار خود را سیراب نمود و حضرت جان به جان آفرین تسلیم کرد. امام عسکری (علیه‌السلام)، در روز جمعه، هشتم ربیع الاول سال 260 قمری، بعد از نماز صبح در 28 سالگی به شهادت رسید.

دسیسه ای دیگر

معتد عباسی همواره از محبوبیت و نفوذ معنوی امام حسن عسکری (علیه‌السلام) در جامعه نگران بود. هنگامی که مشاهده کرد توجه مردم به امام عسکری (علیه‌السلام) روز به روز بیشتر می‌شود و زندان و اختناق و محدودیت و مراقبت، تأثیر معکوس دارد، سرانجام به همان شیوه ناجوانمردانه دیرینه اجداد خود متوسل شد و آن حضرت را پنهانی مسموم کرد. او تلاش زیادی کرد تا شهادت امام عسکری (علیه‌السلام) را عادی جلوه داده و مرگ حضرت را طبیعی بنمایاند. معتد به ابوعیسی، فرزند متوکل و از درباریان عباسی دستور داد تا در تشییع جنازه حضرت حاضر شد و کفن را از روی مبارک حضرت کنار بزند و برای رفع تهمت، بزرگان علویان و هاشمیان، وزیران، نویسندگان، قاضیان و اشراف و اعیان را به نزدیک خود بطلبد و با صدای بلند فریاد زند: «ای مردم، بیایید و خوب نگاه کنید، این حسن به علی فرزندزاده امام رضا است که به مرگ طبیعی فوت شده و کسی به او آسیبی نرسانده است».

تلاش جعفر کذاب

با شهادت امام حسن عسکری (علیه‌السلام)، تلاش‌های مذبوحانه جعفر کذاب برادر آن حضرت، ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. او ادعای امامت امت اسلامی را داشت و برای رسیدن به این هدف، از هیچ کوششی فرو گذار نکرد. جعفر برای دستیابی به این مقام، حاضر شد تا سالانه مبلغ بیست هزار دینار به یکی از موالیان دربار عباسی پرداخت کند تا امامت امت را به او واگذار کنند. او برای فریب شیعیان و جلب نظر آنان، بر سر جنازه حضرت عسکری (علیه‌السلام) حاضر شد تا بر آن حضرت نماز بخواند. وقتی جعفر کذاب آماده تکبیر شد، ناگاه کودکی گندمگون و سیاه موی بیرون آمد و لباس جعفر را گرفت و او را کنار کشید و گفت: «عمو، کنار برو، من باید بر پدرم نماز بخوانم». جعفر با چهره‌ای دگرگون، کنار رفت و امام زمان (علیه‌السلام) بر پدر خود نماز خواند. پس از اقامه نماز، حضرت عسکری (علیه‌السلام) را در کنار قبر پدرش امام هادی (علیه‌السلام) دفن کردند.

در جستجوی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

پس از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) ، معتمد عباسی دستور داد تا وارد منزل حضرت شده، اثاثیه حضرت را بازرسی و مهر و موم کنند. از طرف دیگر، چون شنیده بود که از آن حضرت، فرزندی باقی مانده است، در صدد یافتن او بر آمد و دستور داد تا عده‌ای از قابله‌ها، زنان و کنیزان آن حضرت را معاینه نمایند و در صورتی که آثار حمل در آنان بود، گزارش دهند. بعد از ناامیدی از یافتن امام زمان (عج)، معتمد عباسی، برای تلقین و وانمود کردن این مطلب که از امام عسکری (علیه السلام) فرزندی باقی نمانده است و شیعیان از وجود امام بعدی نا امید گردند، دستور داد تا میراث آن حضرت، میان مادر و برادرش جعفر کذاب تقسیم شود.

زیارت امام عسکری (علیه السلام)

ابوهاشم جعفری، از امام حسن عسکری (علیه السلام) نقل می‌کند که حضرت به من فرمود: «قبر من در سامراء، برای اهل هر دو جانب، از بلاها و عذاب الاهی، مایه امان و آسایش است». علامه مجلسی، اهل دو جانب را به شیعه و سنی معنا کرده و فرموده است که برکت وجودی آن حضرت، همه را در برمی‌گیرد. در قسمتی از زیارتنامه این امام همام چنین می‌خوانیم: «سلام بر تو ای مولای من، ای ابامحمد حسن بن علی، هدایتگر مردمان و هدایت یافته به حق. سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان و ای فرزند زهرا. سلام بر تو ای گشایش قلب اندوهناکان. سلام بر تو ای گنجینه علم وصی رسول خدا. سلام بر تو ای کشتی حلم و سلام بر تو ای پدر بزرگوار امام منتظر. گواهی می‌دهم که تو نماز و دیگر ارکان دین را به پاداشتی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر فرمودی. از خدا درخواست می‌کنم که به واسطه شما، دعایم را مستجاب کرده و مرا از یاران و پیروان حق و از دوستان و محبانتان قرار بدهد».

آتش سوزی حرم

در سال 1106 هجری قمری، حادثه ناگوار و فتنه بزرگی در مرقد مطهر و مقدس امام حسن عسکری (علیه السلام) به وقوع پیوست که قلب همه دوستداران حضرتش را اندوهناک کرد. دوران غلبه پادشاهان عثمانی و اوباش عرب بر سامراء، یکی از دوران‌های سخت روزگار دوستداران اهل بیت بود. ظلم و ستم حکومت عثمانی، سبب شد تا سادات و بزرگان شیعه، از سامراء هجرت کرده و مرقد مقدس امام عسکری (علیه السلام) ، مورد بی‌اعتنایی و بی‌حرمتی آنان قرار گیرد. در یکی از شب‌ها، چراغ داخل مرقد شریف را در جای نامناسبی می‌گذارند.

مقداری از آتش چراغ بر فرش حرم افتاده و فرش‌ها و صندوق‌هایی که بر قبرهای مبارک بوده، آتش گرفته و مرقد مطهر امام عسکری (علیه‌السلام) در آتش می‌سوزد. وقتی این خبر به یکی از پادشاهان صفوی رسید، دستور تعمیر و ترمیم آن را صادر کرد.

پیام رستگاری

امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، در یکی از مجالس خود، به شیعیان و دوستداران اهل بیت فرمودند: «شما را به تقوا و ترس از خدا و ورع در دین خود سفارش می‌کنم. در راه خدا کوشش کرده و راستگویی و امانت داری را پیشه خود سازید؛ زیرا هر کس در دین خود پارسا، راستگو و امانتدار باشد و با مردم خوش‌رفتاری کند من از آن شادمان می‌شوم. بسیار به یاد خدا و مرگ باشید، قرآن بخوانید و صلوات بر پیغمبر فرستید؛ زیرا صلوات بر رسول خدا، ده حسنه دارد. آن چه را به شما سفارش کردم، حفظ کنید. شما را به خدا می‌سپارم و درود خدا بر شما باد».

امام در نگاه دیگران

با تمام دشمنی‌ها و کینه توزی‌هایی که درباریان عباسی به امام حسن عسکری (علیه‌السلام) داشتند، عظمت معنوی و فروغ کمالات او، به قدری آنان را تحت تأثیر قرار می‌داد که ناگزیر در برابر آن حضرت، سرتعظیم فرود می‌آوردند و زبان به مدح و ستایش ایشان می‌گشودند. احمد بن عبیدالله بن خاقان که متصدی اراضی قم، و مأمور اخذ مالیات این شهر بود می‌گوید: «در سامراء هیچ یک از علویان را مانند حسن بن علی بن محمد ندیدم و نام کسی را بهتر از او نشنیدم. خاندان او و تمام بنی هاشم، او را بر سالخوردگان خود مقدم می‌کردند. او همواره بر امیران و وزیران و نویسندگان و قاضیان و فقیهان مقدم بود. او جایگاه رفیعی در میان مردم داشت و همه مردم در باره او به نیکی یاد می‌کردند». عبیدالله بن خاقان، یکی از سران دربار عباسی نیز می‌گوید: «اگر خلافت از خاندان بنی عباس بیرون رود، هیچ کس جز حسن عسکری سزاوار خلافت نیست؛ زیرا فضل، دانش، پارسایی، زهد، عبادت و اخلاق پسندیده او فراوان است».

اعتراف خلیفه

مستنصر، یکی از خلفای عباسی به سامراء رفت و قبر مطهر امام هادی و امام عسکری علیهماالسلام را زیارت کرد و به زیارت قبور خلفای آل عباس و اهل بیت خود رفت. آن‌ها در قبه‌ای دفن شده بودند که رو به ویرانی بود و باران

داخل آن سرازیر می‌گشت و کثافات زیادی، اطراف قبرها را پوشانده بود. یکی از حاضران رو به مستنصر کرد و گفت: «ای خلیفه، شما خلفای روی زمین و پادشاهان دنیا می‌باشید و تمام قدرت و ثروت در دستان شماست. با این حال، قبر پدران شما به این حال است که نه کسی زیارت می‌کند و نه کسی به نظافت آن‌ها مشغول است ولی مزار علویان، سرشار از پرده‌ها و قندیل‌ها و فرش‌های گران قیمت است و خادمان همیشه مشغول نظافت آن هستند». مستنصر رو به حاضران کرد و گفت: «این امر آسمانی و از جانب پروردگار است و با تلاش و کوشش ما حاصل نمی‌شود. اگر ما مردم را بر این کار مجبور کنیم، قبول نمی‌کنند و زور و سعی ما در این باره بی‌فایده است».

در زلال کلام امام عسکری(علیه السلام)

«یکی از بلاها و مصیبت‌هایی که کمر انسان را می‌شکند، همسایه‌ای است که کار خوب همسایه را مخفی داشته و کار بد او را در نزد دیگران فاش سازد * با دیگران جدال مکن؛ زیرا باعث از بین رفتن خوبی و حُسن تو می‌شود. با دیگران شوخی مکن، که جرئت پیدا کرده و بر تو دلیر می‌شوند.»

«رزقی را که خدا ضمانت کرده است، تو را از عملی که بر تو واجب شده، باز نداشته و مشغول نکند.»

«کسی که برادر خود را در پنهانی نصیحت کند، او را آراسته است و هر کس او را در آشکارا نصیحت نماید، او را معیوب می‌کند.»

«خشم، کلید هر بدی است.»

«شادمانی کردن در نزد غمزده و مصیبت دیده، بی‌ادبی است.»

«پارساترین مردم کسی است که در مورد شبهه توقف کند؛ عابدترین مردم کسی است که واجبات خود را انجام دهد، و زاهدترین انسان‌ها شخصی است که حرام را ترک کند.»

«زاهدترین مردم کسی است که مرتکب حرام نشود.»

«عابدترین مردم کسی است که واجبات را به درستی انجام دهد.»

«فروتنی نعمتی است که کسی بر آن حسد نمی‌برد.»

«کینه توز، ناآرام‌ترین مردمان است»

«تمام پلیدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن دروغ‌گویی است»

«اظهار شادی نزد غم‌دیده از بی‌ادبی است»

«صورت نیکو، زیبایی ظاهری است و عقل نیکو، زیبایی باطنی است»

«دو خصلت است که بهتر و بالاتر از آنها چیزی نیست: ایمان به خدا و سود رساندن به برادران»

کتاب شناسی امام حسن عسکری علیه السلام

- از آنجا که امر «پژوهش» نیازمند «منابع» می‌باشد، در پایان این نوشتار سعی شده کتاب‌های مربوط به زندگانی امام حسن عسکری (علیه‌السلام)، فهرست وار، به پیشگاه خوانند و محققان گرامی تقدیم گردد.*
1. آخرین خورشید پیدا؛ نگرش کوتاه بر زندگانی امام حسن عسکری (علیه‌السلام)، واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران، 1375، رقعی، 96 ص.
 2. آشنایی با معصومین؛ معصوم سیزدهم امام حسن عسکری (علیه‌السلام)، مهدی آیت اللهی، تهران، جهان‌آرا، 1370، خشتی، 24 ص.
 3. آشنایی با معصومین؛ معصوم سیزدهم حضرت امام حسن عسکری (علیه‌السلام)، مهدی آیت اللهی، (به زبان تاجیکی)، قم، انصاریان، 1375، وزیری، 28 ص.
 4. آفتاب در زندان، سعید آل رسول، تهران، بنیاد بعثت، 1375، رقعی، 36 ص.
 5. امام حسن عسکری (علیه‌السلام)، کاظم ارفع، تهران، فیض کاشانی، 1379، رقعی، 48 ص.
 6. امام حسن عسکری (علیه‌السلام) (امام یازدهم)، عباس قدیانی، تهران، فردا به، 1378، رقعی، 28 ص.
 7. الامام الحادی عشر الامام الحسن بن علی العسکری (علیه‌السلام)، گروهی از نویسندگان، ترجمه محمد عبدالمنعم خاقانی، قم، مؤسسه در راه حق، 1370، رقعی، 38 ص.
 8. الامام الحادی عشر الحسن العسکری (علیه‌السلام)، شیخ محمد حسن قبیسی عاملی، بیروت، 1403 ق. وزیری، 82 ص.
 9. الامام الحسن العسکری (علیه‌السلام) (مصور)، سید مهدی آیت اللهی، ترجمه کمال السّید، قم، انصاریان، 1374، وزیری، 22 ص.
 10. الامام الحسن العسکری (علیه‌السلام) (مصور)، میرابوالفتح دعوتی، بیروت، الدّارالاسلامیّه، 1410 ق، وزیری، 21 ص.
 11. الامام الحسن العسکری (علیه‌السلام)، علی محمد علی دُخَیل، بیروت، دارالتّوجیه الاسلامی، 1394 ق، رقعی، 84 ص.
 12. الامام الحسن العسکری (علیه‌السلام)، گروهی از نویسندگان، مؤسّسه الامام الحسین (علیه‌السلام)، 1413 ق، رقعی، 21 ص.
 13. الامام الحسن العسکری (علیه‌السلام)، گروه نویسندگان، تهران، مؤسّسه البلاغ، 1410 ق، جیبی، 71 ص.
 14. الامام الحسن العسکری (علیه‌السلام)، عبدالودود امین، کویت، دارالتّوجیه الاسلامی، 1400 ق.
 15. الامام الحسن العسکری (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد، سید محمد کاظم حائری قزوینی، قم، کتابفروشی بصیرتی، 1413 ق، وزیری، 342 ص.
 16. الامام العسکری (علیه‌السلام)، گروه نویسندگان، بیروت، دارالزّهراء، 1413 ق.
 17. الامام العسکری (علیه‌السلام)، شیخ محمد رضا حکیمی حائری، مؤسّسه الأعلمی، 1412 ق، وزیری، 223 ص.
 18. الامام العسکری (علیه‌السلام)، قدوة و اسوة، سید محمدتقی مدرّسی، تهران، رابطه الاخوة الاسلامیة، 1404 ق، رقعی، 82 ص.

19. اعلام الهدایة، الامام الحسن بن علی العسکری (علیه السلام) ، مجمع جهانی اهل بیت، قم، مرکز چاپ و نشر مجمع جهانی اهل بیت، 1422 ق؛ وزیری، 242 ص.
20. با خورشید سامرّا؛ تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری (علیه السلام) ، محمدجواد طبسی حائری، ترجمه عباس جلالی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، 1379، وزیری، 344 ص.
21. برگزیدگان؛ حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) ، عبدالله طاهر خانی، تهران، بنیاد بعثت، 1373، رقعی، 131 ص.
22. تاریخ سامرّا، ذبیح الله محلاتی، ج 3، تهران، کتابفروشی اسلامیة، 1388 ق، وزیری، 034/1 ص.
23. تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری (علیه السلام) ، باقرشریف قرشی، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا (علیه السلام) ، 1371، وزیری، 357 ص.
24. ترجمه جلد دوازدهم بحارالانوار، زندگانی حضرت امام محمدتقی و امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهم السلام ، محمدباقر مجلسی، ترجمه موسی خسروی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، 1379 ق، وزیری، 308 ص.* 1
25. تحلیلی از زندگی و زمان امام عسکری (علیه السلام) ، گروهی از نویسندگان، قم، مؤسسه احیاء و نشر میراث اسلامی، 1357، 149 ص.
26. تفسیر فاتحةالکتاب، از امام حسن عسکری (علیه السلام) و پژوهشی پیرامون آن، عبدالحسین امینی، ترجمه قدرت الله حسینی شاهمرادی، تهران، حدیث، 1376، وزیری، 72 ص.
27. التفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسکری (علیه السلام) ، سید محمد باقر موحد ابطحی، قم، مدرسة الامام المهدی (علیه السلام) ، وزیری، 1409 ق.
28. چهل حدیث سیره عسکریین، امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام ، سید حسین زینالی تیلی، قم، نشر معروف، 1378، جیبی، 80 ص.
29. چهل داستان و چهل حدیث از امام حسن عسکری (علیه السلام) ، عبدالله صالحی نجف آبادی، قم، مهدی یار، 1381، رقعی، 136 ص.
30. جزاء اعداء الامام العسکری (علیه السلام) فی الدنیا، سید هاشم ناجی موسوی جزائری، قم، چاپخانه دانش، 1419 ق، وزیری، 127 ص.
31. حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) دن قیرخ حدیث، یازان قورولو، ترجمه حسین سرخابلی، تهران، بنیاد بعثت، 1371، رقعی، 17 ص.
32. حیاة الامام العسکری (علیه السلام) ، محمدجواد طبسی، قم، بوستان کتاب، 1382، وزیری، 391 ص.
33. دعای عاشقان، شیخ عباس قمی، به اهتمام حسین نورائی، تهران، هیراد بشارت، 1380، جیبی، 64 ص.
34. داستان زندگی امام حسن عسکری (علیه السلام) ، امیرمهدی مراد حاصل، تهران، کانون انتشارات پیام نور، 1378، رقعی، 32 ص.
35. داستانهای از امام هادی و امام حسن عسکری (علیه السلام) ، قاسم میرخلفزاده، قم، مهدی یار، 1380، رقعی، 184 ص.
36. در آستانه غیبت؛ زندگانی امام حسن عسکری (علیه السلام) ، محمد دشتی و مهدی صادقی، تهران، فیض کاشانی، 1377، وزیری، 308 ص.

37. دیدار شیرین؛ گزیده‌ای از زندگانی امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، مسلم ناصری، تهران، پیام آزادی، 1381، رقعی، 96 ص.
38. ذکر مولد الامام الحسن العسکری (علیه‌السلام) ، گروهی از نویسندگان، نجف، مطبعة الغری، 1386 ق، رقعی، 36 ص.
39. راز بزرگ؛ مهدی رحیمی، تهران، بنیاد بعثت، 1375، خشتی، 24 ص.
40. زندگانی امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، منصور کریمیان، تهران، اشرفی، 1379، رقعی، 40 ص.
41. زندگانی حضرت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، گروهی از علمای لبنان، ترجمه حمید رضا کفّاش، تهران، عابد، 1379، رقعی، 64 ص.
42. زندگانی حضرت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) رضا استادی، قم، دفتر نشر برگزیده، 1380، رقعی، 40 ص.
43. زندگی و سیمای امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، محمدتقی مدرّسی، ترجمه محمد صادق شریعت، تهران، انصارالحسین (علیه‌السلام) ، 1372، وزیری، 91 ص.
44. زندگانی امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، نسل جوان، 1356، رقعی، 140 ص.
45. زندگانی عسکریّین و تاریخچه سامرا، ابوالقاسم سحاب، تهران، کتابفروشی اسلامیّه، 1375 ق، 113 ص.
46. زندگانی امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، باقرشریف قرشی، ترجمه سید حسن اسلامی، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، 1374، وزیری، 284 ص.
47. سخنان گهربار امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، منصور کریمیان، تهران، اشرفی، 1380، جیبی، 28 ص.
48. ستارگان درخشان؛ سرگذشت حضرت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، محمدجواد نجفی، تهران، کتابفروشی اسلامیّه، 1381، جیبی، 238 ص.
49. سیمای سامرا؛ سینای سه موسی، محمد صحتی سردودی، تهران، 1374، 176 ص.
50. سرگذشت حضرت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، محمدجواد نجفی، تهران، کتابفروشی اسلامیّه، جیبی، 236 ص.
51. شهر بی‌حصار؛ داستان زندگی امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، رضا شیرازی، تهران، پیام آزادی، 1374، 119 ص.
52. غریب تنها؛ زندگی امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، مهدی شمس الدّین، قم، نورنگار، 1377، پالتویی، 48 ص.
53. عجائب و معجزات شگفت‌انگیزی از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، قم، گل یاس، 1379، رقعی، 130 ص.
54. کرامات و مقامات عرفانی امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، علی حسینی قمی، قم، نبوغ، 1381، رقعی، 72 ص.
55. مجلس عروسی حضرت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) ، عبدالحسین معین قمی، تهران، کتابفروشی اسلامیّه، 1369، رقعی، 98 ص.
56. مسند الامام العسکری ابو محمد الحسن بن علی علیهماالسلام ، عزیزالله عطاردی، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا (علیه‌السلام) ، 1410 ق، وزیری، 371 ص.

57. منهاج التَّحَرُّك عند الامام العسكري (عليه السلام) ، عبدالكريم آل نجف، تهران، 1402 ق، وزیری، 135 ص.
58. وفات الامام الحسن العسكري (عليه السلام) ، شیخ حسن بن شیخ محمد عصفوری درازی بحرانی، نجف، مطبعة الحیدریه، 1372 ق، رقعی، 56 ص.
59. ولادة الامام الحسن العسكري (عليه السلام) ، سید محمدحسین طالقانی، نجف، مطبعة الحیدریه، 1378 ق، رقعی، 44 ص.
60. نگاهی بر زندگی امام حسن عسکری (عليه السلام) ، محمد محمدی اشتهازدی، تهران، نشر مطهر، 1374، 144 ص.